

## شیوه های تبلیغ انبیا در قرآن

﴿ ابراهیم موحدی

قسمت اول

مراد از شیوه های تبلیغ انبیا - علیهم السلام -، راه و روش هایی است که انبیای الهی - علیهم السلام - برای تبلیغ حقایق و معارف الهی به کار می گرفته اند تا انسان ها را هدایت کنند و از گمراهی نجاتشان بدهند و به سعادت و خوش بختی رهنمون سازند. خداوند متعال آن روش ها را در قرآن کریم که کتاب هدایت بخش و انسان ساز است ذکر کرده تا جوامع انسانی از آن استفاده کنند.

شیوه های تبلیغ انبیا - علیهم السلام - در قرآن، انواع گوناگونی دارد که ما در این فصل از این نوشتار در حدّ توان به برخی از آن روش ها می پردازیم:

### ۱- بشارت و انذار

قبل از آن که وارد بحث شویم لازم است این دو واژه را از نگاه لغت به اختصار بررسی کنیم.

در مقایسه اللغة آمده است:

«بشرت فلاناً أبشّره تبشيراً... فأمّا اذا اطلق الكلام اطلاقاً فالبشارة بالخبر و النذارة

بغيره.

انذار، نذر؛ والنون، و الذال، والراء، كلمة تدل على تخويف او تخوف؛ منه الانذار و

الابلاغ و لا يكاد يكون الا في التّخويف.»<sup>۱</sup>

راغب در مفردات می گوید:

«خبر مسرّت بخش را بشارت گویند انذار به اخباری که در او ترس و تهدید باشد

گفته می شود. همان طور که به خبر مسرت بخش تبشیر می گویند.»<sup>۲</sup>

در لسان العرب آمده است:

«البشارة تباشرا لقوم بأمر.»<sup>۳</sup>

به هر صورت، بشارت به معنای مژده و خبر خوش دادن به عطایایی است که پس از به دوش گرفتن تکالیف به فرد ارزانی خواهد شد. بشارت، مظهر فضل و رحمت خداست و در وجود انسان امید می آفریند. باکشش این امید است که او آماده قبول رحمت می شود و کارها را به دوش گرفته، انجام می دهد.

انذار به معنی بیم دادن، آگاه ساختن و ترسانیدن از عواقب امری پیش از فرا

رسیدن آن است.<sup>۴</sup>

پرورش صفات خوب و فضائل اخلاقی و نیز از بین بردن رذائل اخلاقی

احتیاج به دو عامل دارد.

الف: عامل برانگیزنده؛

۷۶ب: عامل بازدارنده؛

عامل برانگیزنده همان پاداش ها و نویدهایی است که مربی برای انجام دادن

عمل در نظر می گیرد.

۱- مقایسه اللغة، باب بشر، نذر.

۲- مفردات، واژه بشر و نذر.

۳- لسان العرب، واژه بشر.

۴- لغت نامه دهخدا، واژگان بشارت و انذار.

عامل باز دارنده نیز همان هشدار به کیفر و مکافات عمل بد است که مرتبی برای متخلفان و بدکاران بیان می‌کند.

این دو روش (بشارت و انذار) در تمام جوامع پیشرفته انسانی وجود داشته و دارد. و در کنار تشویق و پاداش، تهدید و کیفر مقرر شده است، و حتی در جوامع کوچک مثل خانواده، جهت تربیت فرزندان نیز، این دوروش به کار گرفته می‌شود. پیامبران الهی و سفیران آسمانی که هادیان بشریت و ناخدایان جوامع انسانی، در مقام هدایت انسان‌ها از این دو شیوه، بسیار بهره گرفته‌اند. سعی و تلاش آنان این بوده است که به وسیله امید و بیم (بشارت و انذار) انسان‌ها را هدایت کنند و از غرقاب هلاکت نجاتشان بدهند. به همین علت همه انبیاء الهی - علیهم السلام - مبشّر و منذر نامیده شده‌اند. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ﴾<sup>۱</sup>

«ما پیامبران را جز به عنوان بشارت دهنده و انذارکننده نمی‌فرستیم.»

بر این اساس است که رسول خدا - صلی الله علیه وآله - ازجانب خداوند متعال در نخستین روزهای رسالتش مأمور به انذار می‌شود و خداوند به او خطاب نموده می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ﴾<sup>۲</sup>

«ای جامه خواب به خود پیچیده [و در بستر آرمیده] برخیز و انذار کن و

عالمیان را بیم ده!»

نیز می‌فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾<sup>۳</sup>

«ما تو را ای پیامبر جز به عنوان بشارت دهنده و انذارکننده نفرستادیم.»

۱ - سوره کهف (۱۸) آیه ۵۶.

۲ - سوره مدثر (۷۴) آیه ۱ - ۲.

۳ - سوره فرقان (۲۵) آیه ۵۶.

## حضرت نوح - علیه السلام - انذار کننده آشکار

حضرت نوح - علیه السلام - در آغاز تبلیغ، خودش را به عنوان انذار دهنده آشکار معرفی می‌کند و از همان ابتدا پایبندی خود را به این وظیفه الهی و منطقی به طور صریح بیان می‌دارد:

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ \* قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ \* أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا أَمْرِي \* يَغْفِرْ لَكُمْ مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُخَذِّبْكُمْ إِلَىٰ أَحْسَنِ أَلْوَانٍ \* إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾<sup>۱</sup>

«ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و گفتیم: قوم خود را انذار کن پیش از آنکه عذاب درد ناک به سراغشان بیاید! [حضرت نوح] گفت: ای قوم من، من برای شما بیم دهنده آشکاری هستم خدا را پرستش کنید و از مخالفت او بپرهیزید و از من اطاعت کنید! [اگر چنین کنید] خدا گناهانتان را می‌آمرزد و تا زمان معینی شما را عمر می‌دهد زیرا هنگامی که اجل الهی فرا رسد تأخیری نخواهد داشت، اگر می‌دانستید.»

و در جایی دیگر می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ \* أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ﴾<sup>۲</sup>

«ما نوح را به سوی قومش فرستادیم [نخستین بار به آنان گفت:] من برای شما بیم دهنده آشکارم. جز "الله" [خدای یگانه]، را نپرستید؛ زیرا بر شما از عذاب روزی درد ناک می‌ترسم.»

۱ - سوره نوح (۷۱) آیه ۱ - ۴.

۲ - سوره هود (۱۱) آیه ۲۵ - ۲۶.

### حضرت شعیب - علیه السلام - بشارت‌ها و اندازها

حضرت شعیب - علیه السلام - هنگامی که دید مردمانش به زیاده خواهی و فزون طلبی روی آورده اند، خداوند و حساب و کتاب و روز جزا را به فراموشی سپرده اند، بی درنگ لب به اعتراض گشود و مردم را با انداز از عواقب شوم کارشان، به سوی خدای متعال و ارزش های معنوی فراخواند. قرآن کریم موارد چندی از هشدار دهی حضرت شعیب را این گونه بیان کرده است:

﴿وَأَلِيَّ مَدِينًا أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾<sup>۱</sup>

«برای اهل مدین برادرشان، شعیب، را به سوی آنان فرستادیم. پس به ایشان گفت: ای مردم! خدا را عبادت کنید و به روز آخرت امیدوار باشید و در زمین فساد نکنید!»

﴿وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِنْكُمْ بِبَعِيدٍ﴾<sup>۲</sup>

«وای قوم من! دشمنی و مخالفت با من سبب نشود که شما به همان سرنوشتی که قوم نوح یا قوم هود و یا قوم صالح گرفتار شدند گرفتار شوید. و قوم لوط از شما چندان دور نیست.»

حضرت شعیب که بعد از تلاش های زیاد و هشدارهای متعدد، دید قومش راه سعادت را رها کرده اند و اندازهای او بر آنان اثری ندارد فرمود:

﴿وَيَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَيَّ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ﴾<sup>۳</sup>

«ای قوم من! هرکاری از دستتان ساخته است انجام دهید. من هم کار خود

۱ - سوره عنکبوت (۲۹) آیه ۳۶.

۲ - سوره هود (۱۱) آیه ۸۹.

۳ - سوره هود (۱۱) آیه ۹۳.

را خواهیم کرد. وبه زودی خواهید دانست چه کسی عذاب خوار کننده به سراغش می آید و چه کسی دروغگو است. و انتظار بکشید! من هم در انتظار به سر می برم.»

﴿وَأِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُضُوا الْمِيثَاقَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أُرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ﴾<sup>۱</sup>

«و به سوی مدین برادر شان شعیب را فرستادیم. گفت: ای قوم من! خدا را پرستش کنید که جز او، معبود دیگری برای شما نیست. پیمانہ و وزن را کم نکنید! (دست به کم فروشی ننزید) من هم اکنون شما را در نعمت می بینم، ولی از عذاب روز فراگیر بر شما بیمناکم.»

آیات فوق به خوبی نشان می دهد که حضرت شعیب با دلسوزی و مهربانی، سعی می کرده است مردم را نجات دهد. آن حضرت با یاد آوری سرنوشت اقوام قبلی که به سبب گردن کشی و نافرمانی از انبیاء شان به هلاکت رسیده بودند تلاش می کرد که آنان راه هدایت را در پیش گرفته، نجات یابند. اما متأسفانه گوش شنوا و دل بینا نبود و آنان به همان عذابی گرفتار شدند که حضرت شعیب - علیه السلام - از آن می ترسید و هشدار می داد.

قرآن کریم می فرماید:

﴿وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ﴾<sup>۲</sup>

«هنگامی که فرمان ما فرا رسید، شعیب و کسانی را که به او ایمان آورده بودند به رحمت خود نجات دادیم. و آنان را که ستم کردند صیحه آسمانی فرا گرفت و در دیار خود به رو افتادند و مردند؛ آن چنان که گویی هرگز از ساکنان آن دیار نبودند! دور باد مدین و اهل آن از رحمت خدا، همان گونه

۱ - سوره هود (۱۱) آیه ۸۴.

۲ - سوره هود (۱۱) آیه ۹۴.

که قوم ثمود دور شدند!»

به این ترتیب، پرورنده قوم شعیب بسته و عبرت برای دیگران شد.

### حضرت موسی - علیه السلام - بشارت‌ها و انذارها

حضرت موسی - علیه السلام - نیز، همیشه از این دو راه برای هدایت مردم استفاده می‌کرد. قرآن کریم مواردی از آن را بیان کرده است:

﴿ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴾<sup>۱</sup>

«حضرت موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری جوئید و استقامت پیشه کنید که زمین از آن خدا است و آن را به هرکس از بندگانش که بخواهد واگذار می‌نماید و سرانجام نیک برای پرهیزکاران است.»

﴿ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّأَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ يُبُوتَا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴾<sup>۲</sup>

«به موسی و برادرش وحی کردیم که برای قوم خود، خانه‌هایی در سرزمین مصر انتخاب کنید و خانه‌های تان را مقابل یکدیگر قرار دهید و نماز را به پا دارید. و به مؤمنان بشارت ده [که سرانجام پیروز می‌شوند.]»

﴿ إِنَّا قَدْ أُوْحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴾<sup>۳</sup>

«بر ما وحی شده که عذاب بر کسی است که آیات الهی را تکذیب و سرپیچی کند.»

﴿ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا ﴾<sup>۴</sup>

«من گمان می‌کنم ای فرعون! تو به زودی هلاک خواهی شد.»

۱ - سوره اعراف (۷) آیه ۱۲۸.

۲ - سوره یونس (۱۰) آیه ۸۷.

۳ - سوره طه (۲۰) آیه ۴۸.

۴ - سوره ابراهیم (۱۴) آیه ۱۰۲.

﴿قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَيَّ اللَّهُ كَذِبًا فَيَسْحَبَنَّكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَىٰ﴾<sup>۱</sup>

«موسی به آنان گفت: وای بر شما! بر خدا دروغ نبندید که شما را با عذابی نابود می‌سازد و هر کسی که بر خدا دروغ ببندد نومید و شکست خورده می‌شود.»

از این آیات الهی استفاده می‌شود که حضرت موسی - علیه السلام - با قومی دروغگو و نادان سر و کار داشته است و تلاش می‌کرده است تا آنان را از این خصلت زشت نجات دهد.

﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَذَلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ﴾<sup>۲</sup>

«کسانی که گوساله را معبود خود قرار دادند، به زودی خشم پروردگارشان و ذلت در زندگی دنیا به آنان می‌رسد، و این چنین، کسانی را که به خدا افترا می‌بندند کیفر می‌دهیم.»

پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله - بشارتها و اندازهای پی در پی رسول اکرم - صلی الله علیه وآله - نیز شب و روز سعی می‌کرد از راه‌های مختلف مردم را هدایت کرده، نجات دهد. نخستین و مهمترین بشارت و شعار تبلیغی آن حضرت این جمله مشهور بود:

«أَيُّهَا النَّاسُ قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلَحُوا.»<sup>۳</sup>

«ای مردم! عامل رستگاری و سعادت شما فقط نفی شرک و قبول توحید است و بس.»

خداوند متعال در مورد آن حضرت می‌فرماید:

۱ - سوره طه (۲۰) آیه ۶۱.

۲ - سوره اعراف (۷) آیه ۱۵۲.

۳ - بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۰۳.



﴿ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴾<sup>۱</sup>

« ای پیامبر! ما تو را جز به عنوان بشارت دهنده و انذار کننده نفرستادیم.»

﴿ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا \* وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ  
وَسِرَاجًا مُنِيرًا \* وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا ﴾<sup>۲</sup>

« ای پیامبر! ما تو را گواه و بشارت دهنده و انذار کننده فرستادیم و [تو را]

دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او و چراغ روشنی بخش قرار دادیم. و

مؤمنان را بشارت ده که برای آنان از سوی خدا فضل بزرگی است.»

امام علی - علیه السلام - می فرماید:

﴿ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ مُحَمَّدًا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - عَلَمًا لِلسَّاعَةِ وَ مُبَشِّرًا بِالْجَنَّةِ  
وَ مُنذِرًا بِالْعُقُوبَةِ. ﴾<sup>۳</sup>

« خداوند وجود مبارك محمد - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - را نشانه قیامت و

مژده دهنده به بهشت، و ترساننده از کیفر جهنم قرار داد.»

در سوره قمر، قرآن کریم، قوم نوح، عاد، ثمود، لوط، قوم فرعون را توبیخ

می کند؛ چون اینها انذار کننده هایی را که برایشان آمده بودند تکذیب کردند و

دچار عذاب شدند.<sup>۴</sup>

بنا بر این (بشارت و انذار) از ارکان اصلی تبلیغ انبیاء الهی بوده است و آنان با

این دو وسیله، مردم را هدایت می کردند.

به این مطلب باید توجه داشته باشیم که از نظر اصول تربیتی، خطرناک ترین

روش در تربیت انسانها تکیه بر امید تنها یا بیم تنها است. تبلیغی که بر یک

شیوه استوار باشد یا مایه طغیان یا وسیله یأس خواهد بود. امید بیش از حد مایه

سهل انگاری می شود و چه بسا فرد از انجام دادن وظیفه، شانه خالی کرده،

۱ - سوره فرقان (۲۵) آیه ۵۶.

۲ - سوره احزاب (۳۳) آیه ۴۵ - ۴۷.

۳ - نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰.

۴ - ر.ک: سوره قمر (۵۴).

ضررهای زیادی را متحمل شود. همچنان که امید تنها، ضرر آفرین است، بیم تنها نیز، مایه یأس و نومیدی می شود. از این جهت، قرآن یأس و نومیدی از رحمت خدا را از ویژگی های کافران می شمارد. حضرت یعقوب به فرزنداناش دستور می دهد:

﴿ يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيْتَسُّوا مِنْ رُوحِ اللّٰهِ اِنَّهُ لَا يَيْتَسُّ مِنْ رُوحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ ﴾<sup>۱</sup>

« پسرانم! بروید از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت خدا مأیوس نشوید که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مأیوس می شوند.»

به این ترتیب، در برنامه های پیامبران الهی بشارت و انداز، و بیم و امید به موازات یکدیگر پیش می روند و تکمیل کننده همدیگر هستند. قرآن کریم این دو را با هم از روش های تبلیغی آنان بیان کرده است و می فرماید:

﴿ فَبَعَثَ اللّٰهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ﴾<sup>۲</sup>  
﴿ وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ اِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ﴾<sup>۳</sup>

در مورد پیامبر اسلام - صلی الله علیه وآله - می فرماید:

﴿ وَمَا اَرْسَلْنَاكَ اِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا ﴾<sup>۴</sup>

« و ما تورا جز برای همه مردم نفرستادیم تا [آنان را به پاداش های الهی]

بشارت دهی و [از عذاب او] بترسانی.»

در این آیات و آیات دیگر قرآن، بشارت و انداز در کنار هم دو بالی هستند که انبیای الهی مردم را با این دو بال به پرواز در می آوردند؛ همان طور که با یک بال نمی شود پرواز کرد بشارت و انداز نیز به تنهایی نتیجه نخواهد داد. این دو روش (بشارت و انداز) در تمام جوامع پیشرفته و عقب مانده امروزی

۱ - سوره یوسف (۱۲) آیه ۸۷.

۲ - سوره بقره (۲) آیه ۲۱۳.

۳ - سوره کهف (۱۸) آیه ۵۶.

۴ - سوره سبأ (۳۴) آیه ۲۸.

نیز وجود دارد. مبلغان و سردمداران ادیان و مذاهب از این دو روش استفاده می‌کنند و در کنار تبشیرها، پاداش‌ها و در کنار تهدیدها، کیفرها را مقرر کرده‌اند. مبلغان امروزی نیز اگر می‌خواهند موفق باشند و راه انبیاء را در پیش رو قرار دهند باید از این دو شیوه (بشارت و انذار) استفاده کنند تا به نتیجه مطلوب برسند.

امام علی - علیه السلام - می‌فرماید:

«الفقیه کل الفقیه من لم یقنط الناس من رحمة الله و لم یؤیسهم من روح

الله و لم یؤمنهم من مکر الله.»<sup>۱</sup>

«دین‌شناس واقعی کسی است که مردم را از رحمت‌های خداوند نومید

نمی‌سازد و از عذاب الهی ایمنی نمی‌دهد.»

مبلغ باید مانند قرآن و انبیای الهی هم برگ سبز مزده و بشارت داشته باشد و هم سلاح بیم و انذار. هم از حساب و کتاب و قبر و قیامت و صراط و میزان و دوزخ و عذاب‌های الیم، آنان را بترساند و هم به رحمت و شفقت و نعمت و مغفرت و نعیم بهشت امیدوار کند.

اگر از چهره‌گریه و منفی، و بد بختی افرادی که به عذاب و عقاب الهی گرفتار می‌شوند، یاد می‌کنند، باید از چهره مثبت و نورانی مردان درستی که به نعیم و رحمت خداوند منتعم می‌شوند نیز، سخن بگویند.

اگر از حدیث «غاشیه»، «جوه خاشعه»، «نارحامیه»، «عین جاریه»، «طعام ضریح» و «ماء حمیم» سخن می‌گویید، لازم است.

«جوه ناعمه»، «جنة عالیه»، «عین جاریه»، «سرور مرفوعه»، «اکواب موضوعه»

«نمارق مصفوفه» و «زرابی مبنوئه» هم باید سخن بگویند.

## ۲- یاد آوری نعمت های الهی

واژه نعمت از نگاه لغت به هر گونه بهره که آدمی در زندگی از آن سود ببرد گفته می‌شود. پس ایمان نعمت است و مال و جاه هم نعمت. این نعمت، گاه محسوس و ظاهر است و گاه پنهان و از امور معنوی است. در قرآن آمده است:

﴿وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَةً ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾<sup>۱</sup>

«خداوند نعمت‌های آشکار و پنهان خویش را بر شما کامل و تمام کرده است.»

در مجمع البیان از امام باقر - علیه السلام - نقل شده است که نعمت ظاهر، پیغمبر - صلی الله علیه وآله - و معارف الهی است که ایشان آورده است و نعمت باطن، ولایت ما اهل بیت است. البته این، مصداق اتم است؛ چون نعمت‌های آشکار و پنهان خداوند به شماره نمی‌آید.<sup>۲</sup> نعمت، به معنای دین و اسلام نیز آمده است:

«قوله ومن یبدل نعمة الله أی الدین و الإسلام.»

امام صادق - علیه السلام - فرمودند:

«نحن والله نعمة الله التي أنعم بها علی عباده، وینا فاز من فاز.»<sup>۳</sup>

با توجه به مطالبی که بیان شد، می‌توان گفت که نعمت، عام است و هرچه را که خداوند خلق کرده است و انسان‌ها از آن استفاده می‌کنند، در واقع نعمت به شمار می‌آید. از این رو است که یکی از راه‌های تبلیغ انبیاء الهی در دعوت انسان‌ها به سوی توحید و سعادت و خوشبختی، یادآوری نعمت‌هایی است که خداوند برای انسان‌ها خلق کرده و در اختیار او قرار داده است. از آنجا که حیات

۱ - سوره لقمان (۳۱) آیه ۲۰.

۲ - دائرة المعارف لغات قرآن مجید، علامه شعرانی و محمد قریب، ناشر اسلامیه، واژه نعمه.

۳ - مجمع البحرين، ج ۶، ص ۱۷۷.

انسان‌ها در گرو نعمت‌هایی است که خداوند برای بشر آفریده و به او ارزانی داشته است، یاد آوری نعمت‌های الهی جهت پیشرفت دستوره‌های او تأثیر زیادی در هدایت انسان‌ها دارد.

امام باقر - علیه السلام - می‌فرماید:

«أوحى الله تعالى إلى موسى أحببني وحببني إلى خلقى قال موسى يا رب إنك لتعلم أنه ليس أحد أحب إلى منك فكيف لي بقلوب العباد فأوحى الله إليه فذكرهم نعمتي و آلائى فإنهم لا يذكرون منى إلا خيراً»<sup>۱</sup>

«خداوند به حضرت موسی وحی کرد: مرا دوست داشته باش، و بندگانم را نیز به دوستی ام وادار کن! موسی عرض کرد: پروردگارا! تو خود می‌دانی که هیچ کسی در نزد من محبوب تر از تو نیست، پس چگونه به دل‌های بندگان راه پیدا کنم؟ خطاب رسید: الطاف و نعمت‌های مرا به آنان یاد آوری نما. در آن صورت جز خیر یاد دیگری از من نمی‌کنند.»

قرآن کریم در آیات متعددی نعمت‌های الهی را می‌شمارد تا بدین وسیله وجدان‌های انسان‌های فراموش کار، بیدار شده، دعوت به سوی خدا آسان شود و دستوره‌های خداوند را با جان و دل قبول کنند.

خداوند به صورت عموم چنین می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ  
\* الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴾<sup>۲</sup>

«ای مردم! پروردگار خود را پرستش کنید؛ آن کس که شما و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید تا پرهیز کار شوید؛ آن کس که زمین را بستر شما و آسمان (جو زمین) را همچون سقفی بالای سر شما قرار داد و از آسمان، آبی فرو فرستاد و به وسیله آن میوه‌ها را پرورش داد تا روزی شما باشد.

۱ - بحار الانوار، ج ۳، ص ۳۵۱.

۲ - سوره بقره (۲) آیه ۲۱ - ۲۲.

بنا براین، برای خدا همتایی قرار ندهید، در حالی که می‌دانید [هیچ یک از

آنها، نه شمارا آفریده اند و نه شمارا روزی می‌دهند.]»

در قرآن آیات زیادی درباره یاد آوری نعمت‌های الهی آمده است. در این آیات، پیامبران الهی - علیهم السلام - برای بیداری وجدان و هدایت قومشان از این وسیله استفاده کرده‌اند.

امام علی - علیه السلام - می‌فرماید:

«اضْطَفَى سُبْحَانَهُ مِنْ وَلَدِهِ أَنْبِيَاءَ أَخَذَ عَلَى الْوَحْيِ مِيثَاقَهُمْ وَعَلَى تَبْلِيغِ  
الرِّسَالَةِ أَمَانَتَهُمْ لَمَّا بَدَّلَ أَكْثَرَ خَلْقِهِ عَهْدَ اللَّهِ إِلَيْهِمْ فَجَهَلُوا حَقَّهُ وَاتَّخَذُوا  
الْأَنْدَادَ مَعَهُ وَاجْتَالَتْهُمْ الشَّيَاطِينُ عَنْ مَعْرِفَتِهِ وَاقْتَطَعَتْهُمْ عَنْ عِبَادَتِهِ  
فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَ  
يُدْكِّرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ وَيَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ وَيُبَيِّرُوا لَهُمْ دَقَائِنَ  
الْعُقُولِ.»<sup>۱</sup>

«خدا از بنی آدم انبیاپی برگزید که از آن بر [حفظ] وحی و تبلیغ رسالت پیمان گرفت؛ آن گاه که در عصر جاهلیت بیشتر مردم، پیمان خدا را نا دیده انگاشتند و حق پروردگار را نشناختند و برای خدا شریک گرفتند. شیطان‌ها مردم را از معرفت خدا باز داشتند و از پرستش او جدا کردند. پس خداوند پیامبران خود را مبعوث فرمود. متناسب با خواسته های انسان‌ها، رسولان خود را پی در پی اعزام کرد تا وفاداری به پیمان فطرت را از آنان باز جویند و نعمت‌های فراموش شده را به یاد آنان آورند و با ابلاغ احکام الهی، حجت را بر آنان تمام کنند و توانمندی‌های پنهان عقل‌ها را آشکار سازند.»

## حضرت نوح - علیه السلام - و یاد آوری نعمت های الهی

حضرت نوح خطاب به قوم خود می فرماید:

﴿ مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَاراً \* وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَاراً \* أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقاً \* وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُوراً \* وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجاً \* وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتاً ۱﴾

« چرا شما برای خدا عظمتی قائل نیستید؟ در حالی که شما را در مراحل مختلف آفرید [تا از نطفه به انسان کاملی رسیدید] آیامی دانید چگونه خداوند هفت آسمان را بالای یکدیگر آفریده است و ماه را در میان آسمان ها مایه روشنایی و خورشید را چراغ فروزانی قرار داده است؟ و خداوند، شما را همچون گیاهی از زمین رو یانید.»

نیز می فرماید:

﴿ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطاً \* لِتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجاً ۲﴾

« خداوند زمین را برای شما فرش گسترده قرار داده تا از راه های وسیع و دره های آن بگذرید [و به هرجا که می خواهید بروید.]»

## حضرت شعیب - علیه السلام - و یاد آوری نعمت های

حضرت شعیب می فرماید:

﴿ وَادُّكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلاً فَكَثُرَ كُمْ وَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ۳﴾

« بیاد بیاورید زمانی را که اندک بودید و او شما را فزونی داد و بنگرید سرانجام مفسدان چگونه بود.»

۱ - سوره نوح (۷۱) آیه ۱۳ - ۱۷.

۲ - سوره نوح (۷۱) آیه ۱۹ - ۲۰.

۳ - سوره اعراف (۷) آیه ۸۶.

﴿وَأَتَقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ الْأُولِينَ﴾<sup>۱</sup>

«و از نا فرمانی کسی که شما و اقوام پیشین را آفریده‌ات، بپرهیزید.»

هود - علیه السلام - و یاد آوری نعمتها

﴿وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً

فَأَذْكُرُوا آيَةَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ﴾<sup>۲</sup>

«به یاد آورید هنگامی که شما را جانشینان قوم نوح قرارداد و خلقت شما را گسترش داد. پس نعمت های خدا را به یاد آورید شاید رستگار شوید.»

حضرت صالح - علیه السلام - و یاد آوری نعمت های الهی

حضرت صالح - علیه السلام - پس از آنکه برهان نبوت خود (ناقه) را به مردم نشان داد، نعمت های الهی را به آنان خاطر نشان کرد و فرمود:

﴿وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ

سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْجِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَأَذْكُرُوا آيَةَ اللَّهِ وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ

مُفْسِدِينَ﴾<sup>۳</sup>

«به یاد بیاورید که شما را جانشینان قوم "عاد" قرارداد و در زمین مستقر ساخت تا در دشت‌هایش قصرها برای خود بنا کنید؛ و در کوه‌ها، برای خود خانه‌ها بتراشید. بنابراین، نعمت‌های خدا را متذکر شوید و در زمین به فساد نکوشید.»

حضرت موسی - علیه السلام - نیز به طور مکرر از این روش استفاده کرده و

فریادش بلند است:

﴿يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ

۱ - سوره شعراء (۲۶) آیه ۱۸۶.

۲ - سوره اعراف (۷) آیه ۶۹.

۳ - سوره اعراف (۷) آیه ۷۴.



مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿١﴾

«ای قوم من! نعمت خدا را بر خود متذکر شوید، هنگامی که در میان شما پیامبرانی قرارداد و زنجیر بندگی و اسارت فرعونى را شکست و شما را حاکم و صاحب اختیار خود قرارداد و به شما چیزهایی بخشید که به هیچ یک از جهانیان نداده بود.»

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيَدَّبُّونَ آبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ﴾<sup>٢</sup>

«به یاد بیاور هنگامی را که موسی به قومش گفت: به یاد آورید نعمت خدا را زمانی که از چنگال آل فرعون رهایتان کرد، همان‌ها که شما را به بدترین وجهی عذاب می‌کردند؛ پسرانتان را سر می‌بریدند و زنانتان را برای خدمت گذاری زنده می‌گذاشتند و در این، آزمایش بزرگی از طرف پروردگارتان برای شما بود.»

حضرت موسی - علیه السلام - در این دو آیه به انواع نعمت های الهی (از جمله: نعمت رهبری، عزت و آزادی) اشاره کرده است.

پیامبر اسلام - صلی الله علیه وآله - و یاد آوری نعمت های الهی

پیامبر گرامی اسلام - صلی الله علیه وآله - نیز از جانب خداوند متعال مأمور می شود تا برای تثبیت ایمان یاران خود، نعمت های الهی را یاد آور شود، چنان که می فرماید:

﴿قُلْ أَعْبُدُوا اللَّهَ انْتِخِذُوا لِيَّ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُهُ وَلَا يُطْعَمُ﴾<sup>٣</sup>

«بگو: آیا غیر خدا را ولی خود انتخاب کنم؟ [خدایی] که آفریننده

١ - سوره مائده (٥) آیه ٢٠.

٢ - سوره ابراهیم (١٤) آیه ٦.

٣ - سوره انعام (٦) آیه ١٤.

آسمان‌ها وزمین است. او ست که روزی می‌دهد و از کسی روزی نمی

گیرد.»

خداوند متعال وظیفه پیامبر - صلی الله علیه وآله - را تذکر و یاد آوری

دانسته، می‌فرماید:

﴿ فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ﴾<sup>۱</sup>

«پس یاد آوری کن! همانا وظیفه تو تذکر دادن است.»

﴿ وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ﴾<sup>۲</sup>

«و پیوسته تذکرده، زیرا تذکر، به مؤمنان سود می‌بخشد.»

همچنین هدف از نزول قرآن را تذکر و یاد آوری دانسته، می‌فرماید:

﴿ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴾<sup>۳</sup>

«این قرآن کتابی مبارک است که آن را بر تو نازل کردیم تا در آیاتش

بیندشند و صاحبان خرد متذکر شوند.»

نیز می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ

أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ ﴾<sup>۴</sup>

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمتی را که خدا به شما بخشید، به یاد

آورید؛ آن زمان که جمعی [از دشمنان] قصد داشتند دست به سوی شما

دراز کنند [و شما را از میان بردارند]، اما خدا دست آنان را از شما باز

داشت.»

این که رسول خدا - صلی الله علیه وآله - و حضرت موسی - علیه السلام -

زمان‌های حساس را یاد آور می‌شوند و دست روی استقلال و آزادی می‌گذارند،

۱ - سوره غاشیة (۸۸) آیه ۲۱.

۲ - سوره ذاریات (۵۱) آیه ۵۵.

۳ - سوره ص (۳۸) آیه ۲۹.

۴ - سوره مائده (۵) آیه ۱۱.

بسیار قابل دقت و تأمل است. آن هم زمانی که سختی‌ها و بلاها، گذشته و دوران فراغت و خوشحالی و استقلال و آزادی رسیده است.

نکته‌ای که در اینجا باید به آن اشاره شود این است که قدر نعمت را کس و کسانی می‌دانند که از آن نعمت محرومند یا نعمت، از آنان گرفته شده است.

امام علی - علیه السلام - می‌فرماید:

«من كان في النعمة جهل قدر البلية»<sup>۱</sup>

«کسی که در نعمت است قدر گرفتاری را نمی‌داند.»

امام حسن - علیه السلام - می‌فرماید:

«تجهل النعم ما أقامت فإذا ولت عرفت.»<sup>۲</sup>

«نعمت‌ها تا هستند ناشناخته‌اند و همین که رفتند قدرشان شناخته

می‌شود.»

### نمونه‌هایی از نعمت‌های الهی در قرآن

#### الف. نعمت استقلال و آزادی

یکی از نعمت‌های بزرگ الهی، نعمت آزادی است که خداوند به انسان‌ها عطا کرده است، و هیچ نعمتی به بزرگی این نعمت نمی‌رسد. از طرف دیگر، کسی قدر این نعمت را می‌داند که از آن محروم است یا این نعمت از او گرفته شده است. بر همین اساس می‌بینیم که حضرت موسی و پیامبر گرامی اسلام - علی نبینا و آله و علیه السلام - روی این نعمت انگشت گذاشته‌اند و تأکید می‌کنند، و چون آنان (قوم موسی و امت اسلامی) قبلاً از این نعمت محروم بودند قدر عزت و آزادی را بهتر و بیشتر می‌فهمیدند. حضرت موسی می‌فرماید:

«هنگامی را به یاد آورید که زنجیر بندگی و اسارت فرعون بدوش شما

بود. زمانی را متذکر شوید که در زیر شکنجه فرعون بودید و به بدترین

۱ - بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱، باب ۱۵: میزان الحکمة، ج ۲، ص ۱۰۰۴.

۲ - بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۵، باب ۱۹.

عذاب‌ها گرفتار بودید. پسران‌تان را سر می‌بریدند و زنان‌تان را برای خدمت گذاری زنده می‌گذاشتند. شما که این سختی‌ها و مشکلات را پشت سر گذاشته‌اید و فعلاً به برکت وجود انبیاء از نعمت استقلال برخوردارید به حرف انبیاء گوش دهید و قدر این نعمت (عزت و آزادی) را بدانید.<sup>۱</sup>

پیامبر اسلام می‌فرماید:

﴿وَأَذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾<sup>۲</sup>

«به خاطر بیاورید هنگامی‌را که شما در روی زمین گروهی کوچک و اندک و زبون بودید؛ آن چنان که می‌ترسیدید مردم شما را بربایند. ولی او شما را پناه داد و بایاری خود تقویت کرد و از روزی‌های پاکیزه بهره‌مندتان ساخت؛ شاید شکر نعمتش را بجا آورید.»

و به پیامبرش نیز یاد آوری می‌کند و می‌فرماید:

﴿وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يُقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ﴾<sup>۳</sup>

«[ای پیامبرم!] به خاطر بیاور آن هنگامی‌را که کافران نقشه می‌کشیدند که تو را به زندان اندازند یا به قتل برسانند و یا از مکه خارج سازند. آنان چاره می‌اندیشیدند و نقشه می‌کشیدند و خداوند هم تدبیر می‌کرد. و خداوند بهترین چاره جویان و تدبیرکنندگان است.»

﴿أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى \* وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى \* وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى \* فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ \* وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ \* وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾<sup>۴</sup>

«آیا او تو را یتیم نیافت و پناه داد؟ و تو را گمشده یافت و هدایت کرد. و تو

۱ - مفهوم آیات ۶ سوره ابراهیم و ۲۰ سوره مائده.

۲ - سوره انفال (۸) آیه ۲۶.

۳ - سوره انفال (۸) آیه ۳۰.

۴ - سوره ضحی (۹۳) آیه ۶ - ۱۱.

را فقیر یافت و بی‌نیاز نمود. حال که چنین است یتیم را تحقیر مکن و سؤال کننده را از خود مران و نعمت‌های پروردگارت را باز گو کن!

#### ب. نعمت پیروزی بردشمن

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴾<sup>۱</sup>

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خدا را نسبت به خود به یاد آورید در آن هنگامی که لشکرهای عظیم به سراغ شما آمدند. ولی ما باد و طوفان سختی را بر آنان فرستادیم. و [شما] لشکریان آنان را نمی‌دیدید. و به این وسیله آنان را در هم شکستیم. و خداوند همیشه به آنچه انجام می‌دهد بینا است.»

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هَمَّ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ ﴾<sup>۲</sup>

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمتی را که خدا به شما بخشید، به یاد آورید؛ آن زمان که جمعی [از دشمنان]، قصد داشتند دست به سوی شما دراز کنند [و شما را از میان بردارند] اما خدا دست آنان را از شما باز داشت.»

#### ج. نعمت وحدت و اتحاد

اتحاد و همبستگی، و الفت و مهربانی از نعمت‌های الهی است که بسیار شیرین و زیبا و ضروری است، و حیات جامعه‌ها و ملت‌ها به آن بستگی دارد.

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ

۱ - سوره احزاب (۳۳) آیه ۹.

۲ - سوره مائده (۵) آیه ۱۱.

أَعْدَاءَ فَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ  
النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١﴾

«و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام و هرگونه وسیله وحدت] چنگ  
زنید و پراکنده نشوید و نعمت بزرگ خدا را به خودتان به یاد آورید که  
چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد و به  
برکت نعمت او برادر شدید. و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا  
شمارا از آن نجات داد. این چنین خداوند آیات خود را برای شما آشکار  
می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید.»

در این آیه، خداوند اختلاف و نفاق و پراکندگی را «آتش» می‌داند و می‌فرماید:  
«شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید. می‌دانیم که آتش طبعش سوزاندن و نابود  
کردن است. اختلاف و پراکندگی نیز اگر در جامعه به وجود آید، آن جامعه را نابود  
خواهد کرد. نمونه‌اش را امروز در افغانستان و عراق دیدیم و می‌بینیم. به دلیل  
اختلاف میان افغان‌ها خانه‌های مشترکشان، ویران و نابود شده است. مردم عراق نیز  
در حال خراب کردن خانه‌هایشان هستند. من این سطور را هنگامی می‌نویسم که  
بارگاه با صفای امام هادی و امام عسکری - علیهما السلام - توسط دشمنان دین  
منفجر شده و آتش نفاق در حال روشن شدن است. هر روز دسته‌هایی از مردم  
عراق (شیعه و سنی) کشته می‌شوند. دشمنان خارجی خصوصاً آمریکا و انگلیس،  
آتش بیار معرکه شده‌اند و بر این اختلافات دامن می‌زنند؛ چون اشغال‌گران  
می‌خواهند در عراق بمانند و ماندنشان به اختلاف و تفرقه مردم عراق و عدم  
اتحاد آنان بستگی دارد.

از این رو، سعی می‌کنند اتحاد مردم عراق را به هم زده، میانشان اختلاف  
ببندازند و بعضی از مردم عراق نیز خواسته یا ناخواسته، دانسته یا نادانسته به دام  
شیطنت‌های شیطان بزرگ افتاده، تیشه به ریشه خودشان می‌زنند و در پی

۱ - سوره آل عمران (۳) آیه ۱۰۳.

نابودی خود هستند. مسلمانان جهان نیز اگر امروز اتحاد و همبستگی داشتند مشکلات امروزی را نداشتند.

به همین دلیل است که هارون (برادر حضرت موسی) در مقابل گوساله پرستان و مشرکان کوتاه می آید. وقتی برادرش از او بازخواست می کند که چرا در مقابل این بت سازان کوتاه آمدی، جواب می دهد که من از اختلاف ترسیدم.

﴿قَالَ يَا هَارُونَ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا \* أَلَا تَتَّبِعُنِي أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي \* قَالَ يَبْنَؤُمْ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي﴾<sup>۱</sup>

«موسی گفت: ای هارون! چرا هنگامی که دیدی آنان گمراه شدند از من پیروی نکردی؟ آیا فرمان مرا عصیان نمودی؟ هارون گفت: ای فرزندان مادرم (ای برادر)! ریش و سرم را مگیر! من ترسیدم بگویی تو میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی و سفارش مرا به کار نیستی.»

کوتاه آمدن هارون، اهمیت بسیار وحدت و بلای خانه مان سوز تفرقه را نشان می دهد. امام علی - علیه السلام - می فرماید:

«أُنْبِئْتُ بُسْرًا قَدْ أَطْلَعَ الْيَمَنَ وَ إِنِّي وَاللَّهِ لَأَظُنُّ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ سَيِّدَا لَوْنٍ مِّنْكُمْ بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلَيَّ بِأَطْلِهِمْ وَ تَفَرُّقِكُمْ عَنِّي حَقَّقْتُ»<sup>۲</sup>

«به من خبر رسیده که بسربن ارطاة<sup>۳</sup> بر یمن تسلط یافته است. سوگند به خدا! می دانستم که مردم شام به زودی بر شما غلبه خواهند کرد، زیرا آنان در یاری کردن باطل خود وحدت دارند و شما در دفاع از حق متفرقید.»

امام - علیه السلام - اختلاف و نافرمانی از رهبر را عامل شکست و ذلت، و

۱ - سوره طه (۲۰) آیه ۹۲ - ۹۴.

۲ - نهج البلاغه، خطبه ۲۵.

۳ - بسربن ارطاة از فرماندهان خون ریز و سفاک معاویه بود که به کسی رحم نمی کرد، به کاروان حاجیان خانه خدا حمله کرد، هر جا شیعیان امام علی - علیه السلام - را می یافت، می کشت، به شهر یمن حمله برد و کودکان ابن عباس را سر برید و سرانجام دیوانه شد.

عزت و پیروزی را در وحدت و همبستگی می‌دانند، یعنی سقوط و سعود ملت‌ها در سایهٔ اختلاف و وحدت است.

نیز می‌فرماید:

«وَالْعَرَبُ الْيَوْمَ وَإِنْ كَانُوا قَلِيلًا فَهُمْ كَثِيرُونَ بِالْإِسْلَامِ عَزِيزُونَ بِالْاجْتِمَاعِ»<sup>۱</sup>

«عرب امروز گر چه از نظر تعداد اندکند، اما با نعمت اسلام، فراوانند و با

اتحاد و هماهنگی، عزیز و قدرتمندند.»

امام علی - علیه السلام - در این خطبه سه نعمت را یاد آور شده است؛ نعمت رهبری، نعمت اسلام و نعمت اتحاد، که این سه، حیاتی ترین نعمت‌های جامعه‌ها و انسان‌ها به حساب می‌آیند.

#### د: نعمت رهبری

یکی از نعمت‌هایی که خداوند به بشریت هدیه کرده است، خود انبیاء - علیهم السلام - اند که راهنما و هادیان انسان‌ها هستند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا﴾<sup>۲</sup>

«نعمت خدا را بر خود متذکر شوید هنگامی که در میان شما پیامبرانی قرارداد [و

زنجیر بندگی و اسارت فرعون را شکست] و شما را حاکم و صاحب اختیار خود قرارداد.»

#### نقش رهبر در جامعه

امام علی - علیه السلام - می‌فرماید:

«وَمَكَانُ الْقِيَمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النَّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ يَجْمَعُهُ وَيَضُمُّهُ فَإِنْ انْقَطَعَ

النَّظَامُ تَفَرَّقَ الْخَرْزُ وَذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَذَا فِيرِهْ أَبَدًا»<sup>۳</sup>

«جایگاه رهبر چونان ریسمان محکم است که مهره‌ها را متحد ساخته، به

۱ - نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶.

۲ - سوره مائده (۵) آیه ۲۰.

۳ - نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶.



هم پیوند می‌دهد. اگر این رشته بگسلد مهره‌ها پراکنده می‌شوند و هر

کدام به سویی خواهند افتاد و سپس هرگز جمع نخواهند شد.»

در طول تاریخ اگر رهبر یک جامعه خوب بوده است آن جامعه سعادت‌مند و سرفراز شده و نجات پیدا کرده است و اگر رهبر نالائق در آن جامعه حاکم بود؛ بدبختی و هلاکت سرانجام آن جامعه بوده است.

در طول سیر زندگی بشر این سنت الهی جریان داشته و دارد که زندگی مردم وابسته به رفتار خوب و بد حاکمان است. جامعه‌ای دارای سعادت و عزت است که خداوند رهبر لائق و صالح نصیب آنان کند و اگر در یک جامعه سعادت و عزت و آزادی نبود بدانید که شبانی آن ملت را گرگ به عهده گرفته و حاکم و رهبر آن جامعه گرگ بوده است. از این رو رهبر و راهنمای خوب، یکی از نعمت‌های الهی است که خداوند جهت سعادت بندگانش به آنان عطا کرده است. به همین دلیل است که خداوند متعال به پیامبرش دستور می‌دهد که بعد از خود، رهبر جامعه را تعیین و اعلام کند و آن هم باید علی باشد. وقتی که رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - در غدیر خم، علی را به عنوان جانشین خود تعیین می‌کند و برای جامعه اسلامی اعلام می‌دارد که بعد از من علی - علیه السلام - رهبر و راهنمای شماست، پیک وحی نازل می‌شود و این نعمت را اکمال‌کننده دین و اتمام‌کننده تمام نعمت‌های دیگر می‌داند و می‌فرماید:

﴿الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾<sup>۱</sup>

«امروز کافران، [و منافقان و فاجران و فاسقان] از [زوال] آئین شما مأیوس شدند. [چون علی رهبر و راهنما شد.] بنابراین از آنان نترسید و از مخالفت من بترسید. امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام کردم، [چون علی را رهبر شما قرار دادم.] و اسلام را به عنوان دین و

۱ - سوره مائده (۵) آیه ۳.

آئین جاویدان شما پذیرفتم.»

آری، علی رهبر ما و امام ما شد؛ رهبری که خداوند برای بشر ارزانی کرد. خدایا! ما را در دنیا و آخرت از علی و اولاد علی - علیهم السلام - جدا مگردان و این نعمت بزرگ (نعمت ولایت) را از ما مگیر!

### ح: نعمت رزق و روزی

راغب در مفردات می گوید:

«رزق بخششی مدام و پیوسته است که گاهی دنیوی و گاهی اخروی است

و گاهی نصیب و بهره را هم رزق گویند و همچنین به چیزی که به معده

می رسد و به آن تغذیه می شود رزق می گویند.»<sup>۱</sup>

به هر صورت رزق به معنی عطا و بخشش مستمر است. از آنجا که بخشنده

تمام مواهب در حقیقت خدا است، رازق و رزاق به معنی حقیقی، تنها به او گفته

می شود. به همین دلیل یکی از اسمای الهی رزاق است. قرآن می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ﴾<sup>۲</sup>

«خداوند روزی دهنده است.»

﴿قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ

شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾<sup>۳</sup>

«بگو: پروردگارم روزی را برای هر کسی که بخواهد وسعت می بخشد و

برای هر کسی که بخواهد تنگ و محدود می سازد. و هر چیزی که در راه او

انفاق کنید عوض آن را می دهد و جای آن را پر می کند. و او بهترین روزی

دهنده گان است.»

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنْ

۱ - مفردات، واژه «رزق».

۲ - سوره ذاریات (۵۱) آیه ۵۸.

۳ - سوره سبأ (۳۴) آیه ۳۹.

السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآتَىٰ تُؤَفِّكُونَ ﴿١﴾

«ای مردم! نعمت خدا را بیاد آورید! آیا جز خداوند آفریننده‌ای هست که

از آسمان و زمین به شما روزی دهد؟»

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْيَوْمَ وَاللَّيْلَةَ﴾ ﴿٢﴾

«خداوند همان کسی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آسمان آبی نازل کرد و با آن، میوه‌های مختلف را برای روزی شما از زمین بیرون آورد و کشتی‌ها را مسخّر شما کرد تا بر صفحه دریا به فرمان او حرکت کنید و نهرها را نیز، مسخّر شما کرد.»

﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَشِيَّةً ۖ اِمْلَاقٌ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ﴾ ﴿٣﴾

«فرزندانان را از ترس فقر نکشید. ما، هم آنان را روزی می‌دهیم و هم شما را. شما به فکر روزی آنان نباشید چون روزی دهنده آنان شما نیستید.»

نه تنها فقط به شما روزی می‌دهیم بلکه روزی همه موجودات به عهده خداوند است. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا﴾ ﴿٤﴾

«هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر این که روزی او بر خدا است. او قرار گاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند.»

خداوند متعال می‌داند که از چه راهی و چگونه مخلوقاتش را از نعمت‌هایش

۱ - سوره فاطر (۳۵) آیه ۳.

۲ - سوره ابراهیم (۱۴) آیه ۳۲.

۳ - سوره اسراء (۱۷) آیه ۳۱.

۴ - سوره هود (۱۱) آیه ۶.

بهره‌مند کند. این یک حقیقت است که سر تا پای وجود ما، غرق نعمت‌های الهی است؛ مادی و معنوی، ظاهری و باطنی. پیامبر - صلی الله علیه وآله - می‌فرماید:

«وَمَنْ لَمْ يَرْ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ نِعْمَةً إِلَّا فِي مَطْعَمٍ أَوْ مَشْرَبٍ أَوْ مَلْبَسٍ فَقَدْ قَصَرَ عَمَلُهُ وَدَنَا عَذَابُهُ.»

«هر که نعمت خداوند را جز درخوراک یا نوشیدنی یا پوشاک نبیند بی‌گمان

عملش کوتاه و عذابش نزدیک است.»

امام علی - علیه السلام - به کمیل می‌فرماید:

«يَا كَمِيلُ إِنَّهُ لَا تَخْلُو مِنْ نِعْمَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عِنْدَكَ وَ عَافِيَتِهِ.»<sup>۱</sup>

«ای کمیل! تو هیچ‌گاه از نعمت و عافیت خداوند بی‌بهره نیستی.»

بلکه در هر حال و زره زره وجود و زندگی‌ات وابسته به نعمت خدا و محتاج نعمت‌های الهی است. اگر کتاب‌های مختلف علوم طبیعی و انسان‌شناسی و روان‌شناسی و گیاه‌شناسی و جهان‌شناسی و مانند آن را بررسی کنیم، خواهیم دید که دامنه این نعمت‌ها تا چه حد گسترده است؛ بلکه در هر نفسی که فرو می‌رود و بر می‌آید هزاران نعمت موجود است و هر دقیقه که از عمر ما می‌گذرد، حیات و سلامت ما مدیون فعالیت میلیون‌ها موجود زنده، در درون بدنمان و میلیون‌ها موجود جاندار و بی‌جان در بیرون بدنمان است که بدون فعالیت آنها ادامه حیات حتی یک لحظه هم ممکن نیست.

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند

تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

ما از وجود همه نعمت‌های الهی آگاه نیستیم و هر قدر دامنه علم و دانش بشری گسترده‌تر می‌شود، افق‌های تازه‌ای از این نعمت‌ها بر ما گشوده خواهد شد؛ افق‌هایی که کرانه‌های آنها همچنان ناپیداست.<sup>۲</sup>

با توجه به این مطالب نمی‌شود نعمت‌های خداوند را نام برد و شماره کرد.

۱ - مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۲۱.

۲ - ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۵۸، و ج ۱۱، ص ۱۸۶.

خداوند متعال می فرماید:

﴿وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾<sup>۱</sup>

«و اگر بخواهید نعمت های خدا را شماره کنید قادر بر شمارش آنها

نیستید.»

امام علی - علیه السلام - می فرماید:

«الحمد لله الذي لا يبلغ مدحته القائلون ولا يحصي نعمه العادون.»<sup>۲</sup>

«سپاس خداوند را که سخنوران، از ستودن او عاجزند و حسابگران از

شمارش نعمت های او ناتوان.»

ما هم، به سبب ناتوانی در شمارش نعمت های الهی، این موضوع را با آیه ای

از قرآن و حدیثی از امام علی - علیه السلام - پایان دادیم و به همین مقدار اکتفا

می کنیم.

### وظایف ما در برابر نعمت های الهی

در مقابل این همه نعمتی که خدا به ماداده است ما چه وظیفه ای داریم؟

خداوند در قرآن می فرماید:

﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾<sup>۳</sup>

«اگر شکر گزاری کنید، نعمت خود را بر شما خواهم افزود. و اگر ناسپاسی

کنید مجازاتم شدید است.»

امام علی - علیه السلام - می فرماید:

﴿أَقْل ما يُلزِمكم لله ألا تستعینوا بنعمه علی معاصیه﴾<sup>۴</sup>

۱ - سوره نحل (۱۶) آیه ۱۸.

۲ - نهج البلاغه، خطبه ۱.

۳ - سوره ابراهیم (۱۴) آیه ۷.

۴ - نهج البلاغه، حکمت ۳۳۰.

«کمترین وظیفه شما در مقابل خداوند این است که از نعمت های او در راه

معصیتش استفاده نکنید.»

شکر نعمت نعمت افزون کند      کفر نعمت از کفت بیرون کند

ادامه دارد

رسول اکرم - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فرمود:

«به حقّ خدایی که جانم در یدِ قدرت اوست، همهٔ  
عزاداران حسین را شفاعت می‌کنم و در بهشت عدن  
در نزد خود جای می‌دهم.»

بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۳۴

امام حسین - عَلَيْهِ السَّلَام - دربارهٔ گریه کنندگانش فرمود:  
«اگر آنان را پیش‌تر از خود داخل بهشت نبینم، داخل  
آن نمی‌شوم.»

بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۲

امام صادق - عَلَيْهِ السَّلَام - فرمود:

«لِكُلِّ شَيْءٍ ثَوَابٌ إِلَّا الدَّمْعَةَ فِينَا.»

«هر عبادتی را ثوابی است محدود و محصور مگر  
گریه در مصیبت ما.»

کامل الزیارات، ص ۱۰۶